

### سمیه ملاتبار نویسنده



شاعر اهل بیت باید در وهله اول شاعر باشد. وقتی در گعده‌های شعری وارد می‌شوی می‌بینی انگار شاعران همیشه تشنه‌اند. محرم که می‌شود، وقتی کتبه‌های محتشم را بر دیوار دل می‌کوبند، تا اربعین دلتنگی انگار طور دیگری همیشه تشنه باقی می‌مانند. به واسطه عطش شاعران، ما این روزها شعرهایی می‌خوانیم و دوست داریم بخوانیم که داعیه خودنمایی ندارد و دل را بارانی تر می‌کند و مانند هدف شعر عاشورایی که اصل شعر در کربلا گم شدن است و به اصل خویش رسیدن، ما را به کربلا می‌رساند. همان شعرهایی که به لحن محرم و عاشورا تکلم می‌کند، همان شاعرانی که قلم‌شان وقف مظلومیت است. فرمان از دل گرفتیم و شاعران عاشورایی این گزارش ویژه را شنیدیم.

#### ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

رنگ شهود داشت و هر چند خواب بود/ لاریب فیه، دیدمش و آفتاب بود/ پیشانی‌اش نشان «الف لام میم» داشت/ تفسیرعاشقانه «تلک الکتاب» بود/ چشمش به آیه آیه ستاره، بشارتی/ خالش اشارتی ز شب و ماهتاب بود/ از تار جان نواي همایون به پرده ریخت/ هر گوشه «شور زینب و سوز ریاب» بود/ آنک جمال محض، سر نیزه برمدید/ آنک جلال ناب، و رای حجاب بود/ در هر پیاله رمزی از آن «سبز سرخ» ریخت/ دیدم که راز کرب و بلا «انتخاب» بود/ پرسیدم: «از وصال مرا هم عنایت است؟/ ابرو گشاد و رفت و همینش جواب بود.

می‌نویسم و می‌سرایم و هرگز نه پشیمانم و نه خسته. به یقین، پی هر کار دیگر که می‌رفتم، از هر موهبت دنیا بیشتر بهره می‌بردم؛ اما باز نه پشیمانم، نه خسته. جهان شعر و ادب و کلمه، موهبت‌هایی دارد که همه رنج‌ها و ناکامی‌ها نزد آن شادمانی است و کامیابی. خدا را شکر که این عمر در کار قلم گذشت. حتی آنها که در سایه‌اند، از وجود مبارک آفتاب اثر می‌پذیرند. نباید گمان کرد که این ویژگی، تنها خاص

#### پنجره‌های ناگشوده

آنچه اکنون به نام شعر دینی رواج یافته، معمولاً تحت تأثیر شدید تغزل‌های خاکی است و با عناصر و حیاتی ارتباط دور دارد. همین سبب شده که صاحبان فطرت‌های پاک از این نوع شعر چنان که باید استقبال نکنند؛ حال آنکه اگر قلمرو ذهنی شاعر با مفاهیم حقیقی و ناب شعر قدسی درآمزد، اغراق و غلو آن هم رنگ آسمانی می‌گیرد. هیچ ضرورت ندارد که همچنان از دریچه‌های محدود و تنگ‌سننی و در بستر همان نگاه به افق شعرهای محرمی بنگریم. می‌توانیم از دریچه‌های تازه و پنجره‌های ناگشوده به این ساحت نظر کنیم و چیزهایی را بباییم که دیگران تا این روزگار ندیده‌اند. می‌توانیم و باید، عینک مخصوص متن‌خوانی گذشتگان را از چشم برداریم و به این مفاهیم از



هاشمیات نمونه بسیار ممتاز شعری است که این مسیر را به کلی عوض کرد: سرشار است از ارجاع به آیات قرآن و خطبه‌های حضرت امیر. به همین دلیل، در طول تاریخ، وقتی بسیاری از عالمان خواسته‌اند درباره عاشورا یا دیگر مقاطع تاریخ اهل بیت (ع) تحقیق یا این وقایع را تحلیل کنند، به شعر کمیت توسل جسته و استناد کرده‌اند

## گفت‌وگویی با شاعران عاشورایی

# بگو چه شد که

# من اینقدر دوستت دارم؟

#### «کمیت اسدی» و هاشمیات

خواهد داشت. اگر شاعری فقط به بیان این چهره‌ها و ترسیم این صحنه‌ها اکتفا کند، بعد از مدتی تن‌آسا می‌شود و عادت می‌کند که فقط در این محور پیش رود و از بسیاری از آن صحنه‌های تابناک که منشأ تحرک است و جمال انسانی عاشورا را نشان می‌دهد، غافل می‌ماند. کمیت خود را از این بند رهانید و کربلا را با چهره تحلیلی سرود. در هاشمیات گفته می‌شود: من هیچ غصبی را ندیدم که همانند فتنه سقیفه غاصبانه و منشأ غضب باشد. قریش آن روز به آن غصب تن دادند و نتیجه‌اش این است که ما امروز به مروان و امثال او تن می‌دهیم. این گونه بیان، آن هم در شعر بلند، فحیم و استوار در آن زمان، بسیار مغتنم است. ما حتی امروز هم کمتر از این زاویه به عاشورا می‌نگریم. و هم پس‌زمینه‌هایش را. او در قصیده پنجم هاشمیات، از حضرت مهدی (عج) و دادگستری ایشان یاد می‌کند که شرق و غرب جهان را از عدل خواهد آکند. در آن هنگام، یعنی ۱۵ سال بعد از عاشورا، این گونه نگاه کردن به تاریخ، بسیار ارزشمند است.

در طول تاریخ، وقتی بسیاری از عالمان خواسته‌اند درباره عاشورا یا دیگر مقاطع تاریخ اهل بیت (ع) تحقیق یا این وقایع را تحلیل کنند، به شعر کمیت توسل جسته و استناد کرده‌اند. خوشا شاعری که به شعر او در چنین جایگاهی استناد شود. پس ویژگی نخست هاشمیات این است که برای یکایک آنچه عرضه داشته استدلال دارد، آن هم نه استدلال‌های صرفاً عاطفی. متأسفانه جفای بزرگ تاریخ‌نگاران شام و دمشق در حق کربلا و حضرت ابی عبدالله و کلام و پیام بزرگ او این بود که عمدتاً کربلا را با عوالم غیبی قضا و قدر آمیختند. اگر ما در شعرهای خود از کربلا، به جنبه‌های غیبی و غریب بسنده بکنیم و کتاب‌ها مان را سرشار از آنها سازیم، خواه‌ناخواه رفته‌رفته به ورطه تحریف در می‌غلطیم. کمیت در زمان خود دریافت که این نگاه شامی و دمشقی به حادثه عاشورا جفا است. اینکه تاریخ عاشورا لبریز شود از حرف‌هایی که فقط اشک دریاورد جفا است. اگر مردمی عادت کنند به فقط گریستن؛ اگر ذاکری و مداحی عادت کند به فقط گریاندن؛ نتایج سوئی

ایمازها و تصویرها و ترکیب‌بندی‌ها؟ اگر اینها را به جای نبرد و پیامی نرساند، در حقیقت هیچ و پوچ است و صرفاً در کنار بیان اندیشه ارزشمند ارزش می‌یابد. وقتی نوبت بیان اندیشه به بچه‌مسلمان‌ها می‌رسد، آنها را به صریح‌گویی و شعار دادن متهم می‌کنند، اما نوبت به سایرین که می‌رسد، همه گونه‌شعار دادن مجاز دانسته می‌شود. این ادعا پرهیز از صریح‌گویی فقط گریزگاهی شده برای مخالفان دین که خود هر گونه می‌خواهند تبلیغ کنند و ما را به گل و بلبل سرگرم سازند. هدفمند کردن شعرهای مرتبط با محرم و عاشورا خیلی مهم است. بعد از افتخاراتی که در صدر اسلام نصیب برخی از شاعران شد، متأسفانه رفته‌رفته شعر به سمت لفظ‌بازی رفت. کمیت توانست شعر آیینی را به سمتی هدایت کند که کاملاً از این جنبه‌عبث و غیر جدی فاصله بگیرد. هاشمیات نمونه بسیار ممتاز شعری است که این مسیر را به کلی عوض کرد؛ سرشار است از ارجاع به آیات قرآن و خطبه‌های حضرت امیر. به همین دلیل،

امام باقر (ع) رسید. امام هدیه‌های همراه با جامه‌های از جامه‌های خود به او عطا فرمود. کمیت جمله بسیار زیبایی عرض کرد: من شما را برای دنیا انتخاب نکردم، که اگر چنین بود می‌رفتم سراغ کسانی که دنیا در دست آنان است. درمورد هاشمیات هم باید بگویم که هاشمیات نخستین اثر کمیت اسدی است، یعنی در جوانی او و در اوج شور و نشاطش سروده شده است. این اثر ۱۵ تا ۲۰ سال پس از ماجرای عاشورا سرایش یافته است. البته هاشمیات به طور خاص و کامل درباره عاشورا نیست؛ اما علت اینکه بسیاری از داوران و ارزشیایان شعر عاشورایی، آن را در زمره شعرهای عاشورایی شمرده‌اند، این است که کانون توجهش عاشورا است و چندین جا به دقت و با نگرشی ژرف و آرماتی به کربلا و عاشورا پرداخته است. هاشمیات اصولاً قصه آل هاشم است و ستم‌هایی که بر آنها رفته. در هاشمیات، همگونی زبانی و پیام جلوه‌های گوناگونی دارد. زبان اگر در خدمت پیام نباشد، به پیشیزی نمی‌ارزد. زبان حتی برای کسانی که به هنر برای هنر قائل هستند، چیست جز

در تاریخ داریم که امام سجاد (ع)، وقتی که اغلب افراد از وظیفه خود سر باز می‌زدند، تصریح فرمود که «کمیت» صحابی یکی از شاعران سرآمد، حق‌خاندان پیامبر را ادا کرده است. آنگاه فرمود: خدایا، به او زندگی سعادتمندانه بخش و شهیدش بمیران و جزای نیکش ده که ما از پاداش او ناتوانیم. یا در خیمه دیگر، وی خدمت

